

## جنگ نسل‌کشی در غزه ادامه دارد و کمک‌ها تله‌های مرگ‌اند

رهبران یهود از روزهای نخست جنگ، هیچ‌گاه نیت خود را درباره نوار غزه پنهان نکردند؛ چه در اظهاراتشان و چه از طریق ماشین جنگی جنایت‌بارشان. خالی کردن غزه از سکنه و کوچاندن مردمش از آن، همچنان هدفی است که رژیم یهود با قدرت در پی تحقق آن است و در این تلاش‌های شیطانی خود به حمایت سیاسی و مادی غرب، به‌ویژه آمریکا، تکیه دارد. همچنین بر همدستی همه حاکمان مسلمان، به‌ویژه حاکمان کشورهای اطراف فلسطین، متکی است. همه اظهارنظرهایی که از آنان درباره رد کوچ اجباری صادر می‌شود، محض دروغ است و صرفاً برای مصرف رسانه‌ای و فریب افکار عمومی بیان می‌شود؛ حال آنکه واقعیت تحرکات سیاسی‌شان و تعاملشان با فاجعه جاری در غزه، مشارکت آنان با اشغالگران برای تحقق هدف کوچ اجباری را اثبات می‌کند. رژیم یهود تا این لحظه از این هدف چشم‌پوشی نکرده و آن را از محاسبات خود حذف نکرده است. جنگ نسل‌کشی نیز هنوز پایان نیافته است؛ اشغالگران تلاش می‌کنند از هر فرصتی برای فشار جهت تحقق کوچ اجباری استفاده کنند و بسیاری از رهبران سیاسی و نظامی خود، هدفشان را در آنچه به‌عنوان «طرح ترامپ برای حل مسئله غزه» شناخته می‌شود، یافته‌اند؛ طرحی که همواره بر تحقق جنایت‌بار آن تأکید دارند.

در طول بیش از ۲۰ ماه از این جنگ دیوانه‌وار، عناوین سیاست‌های این رژیم جنایتکار و برنامه‌هایش علیه مردم نوار غزه، چیزی جز نسل‌کشی و کشتار، محاصره و گرسنگی و نابودی هرگونه جلوه‌ای از زندگی نبوده است؛ گویی لسان حال و مقال آن چنین است: «ای مردم غزه! برای شما در این سرزمین جایی نیست؛ یا مرگ یا کوچ اجباری».

در تأیید ماهیت جنایت‌بار و عطش سیری‌ناپذیرش به کشتار، اشغالگران با موضوع کمک‌ها که قرار بود انسان‌دوستانه باشد، رویکردی نظامی اتخاذ کردند و آن را به بخشی از سیاست کشتار و گرسنگی و ابزاری از ابزارهای جنگ نسل‌کشی تبدیل کردند. پذیرش ورود این کمک‌ها به غزه صرفاً در نتیجه فشارهایی بود که به‌دلیل اوج‌گیری افکار عمومی جهانی علیه جنایت‌های آنان علیه غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان و سالمندان، بر آنان وارد شد. حقیقت این است که پاسخ آنان به مطالبه ورود کمک‌ها، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم مطالبه‌گران از دولت‌ها، نهادها و سازمان‌ها و فرو نشاندن خشم افکار عمومی و فریب جهانیان نبود؛ درحالی‌که مدیریت پرونده کمک‌ها را در چارچوب برنامه جنگی خود و به‌عنوان ابزاری از ابزارهایش به کار گرفتند.

برای فریب بیشتر، تمام تحرکات و رفتارهای جنایتکارانه خود را در موضوع کمک‌ها با این بهانه‌ها پوشاند که «جنبش حماس کنترل بر کمک‌ها نداشته باشد» و باید اطمینان حاصل شود که این جنبش به منابع مالی لازم برای بازسازی و ترمیم توانمندی‌های خود دست نیابد و هرگونه شکل از اداره و کنترلش در نوار غزه از بین برود. اشغالگر همچنین با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در ارائه خدمات انسانی مقابله کرده و آنان را به حمایت از تروریسم متهم نموده است؛ در صدر این نهادها، آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (آونروا) قرار دارد و این موضوع در چارچوب اهدافی فراتر از صرفاً جلوگیری از ارائه کمک و خدمات یا اشتغال است، چراکه برای هیچ‌کس پوشیده نیست که نابودی أونروا، با همه کاستی‌هایش، بخشی از طرح تسویه قضیه فلسطین است.

آنچه هر روز در مراکز موسوم به توزیع کمک‌ها یا همان تله‌های مرگ به‌تعبیر سازمان ملل متحد، مشاهده می‌شود و نحوه اداره آن‌ها و اتفاقاتی که در آن‌ها رخ می‌دهد، ثابت می‌کند که اشغالگر این کمک‌ها را با همان اهداف و شیوه‌هایی که از روزهای نخست جنگ پرونده کمک‌ها را اداره کرده بود، به‌کار می‌گیرد و همه‌چیز همچنان تحت همان عنوان است: یا مرگ از گرسنگی یا کوچ اجباری.

در جزئیات، پلییدی و وحشی‌گری اشغالگر به‌طرز فجیع‌تری نمایان است، به‌گونه‌ای که مسئله کمک‌ها را برای تحقق اهداف شیطانی خود سرمایه‌گذاری کرده است؛ کمک‌ها ابزاری بوده برای شناسایی برخی افراد موردنظر، یا به دام انداختن افراد ضعیف‌النفس در باتلاق مزدوری با سوءاستفاده از فقر و گرسنگی، یا برای رواج اعتیاد و نابودی بافت اجتماعی از درون. طبق بیانیه دفتر رسانه‌ای دولت غزه، چهار مورد ثبت‌شده که شاهدان گزارش داده‌اند قرص‌های مخدر از نوع «Oxycodone» در داخل کیسه‌های آرد ارسالی از مراکز کمک‌رسانی آمریکایی پیداشده است. یا برنامه‌ریزی برای ایجاد نهادها و هیئت‌های جدید برای اداره غزه، همچنان که در تلاش ناکام برای استفاده از عشایر و خانواده‌ها انجام

شد، یا ایجاد نوعی هرج و مرج و شکاف داخلی و برانگیختن تعصبات، چنانکه با باند‌های سرقت کمک‌ها رخ داده است که یاسر ابو شهاب برجسته‌ترین نمونه آن است؛ وی سردسته گروهی از راهزنان در شرق شهر رفح است، منطقه‌ای که تحت کنترل ارتش یهود است. همچنین هدف دیگر، سامان‌دهی مجدد تجمع مردم پیرامون مراکز کمک و تخلیه بیشتر مناطق نوار غزه از سکنه است، همان‌طور که در منطقه مرکزی محور (نتساریم) و منطقه رفح در جنوب نوار غزه که مرکز آمریکایی توزیع کمک‌ها قرار دارد، رخ داده است.

در حال، رژیم یهود حتی در داخل مراکز توزیع نیز از کشتار دست برداشته است، در حالی از سادیسم، هرج و مرج و اشاعه وحشت و ترس؛ چنان‌که هر روزه تصاویر تکان‌دهنده‌ای از نحوه توزیع کمک‌ها و برخورد نیروهای اشغالگر با مردم مخابره می‌شود و هر روز خبر شهادت و زخمی شدن ده‌ها نفر از گرسنگان در صف انتظار کمک‌ها اعلام می‌گردد. بنا بر گزارش دفتر رسانه‌ای دولت غزه در روز جمعه ۲۵/۶/۲۷، پس از گذشت یک ماه از ایجاد تله‌های مرگ و دام‌های جمعی توسط اشغالگر، ۵۴۹ شهید و ۴۰۶۶ مجروح و ۳۹ مفقود ثبت شده است؛ این موضوع نشان می‌دهد که اشغالگر با کمک‌ها نیز صرفاً رویکرد نظامی دارد و ورود کمک‌ها تنها واکنشی به فشارها بوده است، در حالی که سیاست مطلوب او، قتل و گرسنگی برای تحقق هدف کوچ اجباری است و اگر مجبور به پذیرش شده، کوشیده است تا از آن استفاده‌ای شیطانی ببرد.

ما بارها و بارها تأکید کرده‌ایم که مسئله غزه، مسئله خوراک و آب و کمک‌رسانی نیست، بلکه مسئله اشغالگری است که باید پایان یابد؛ سرزمینی اسلامی که غصب شده و باید آزاد گردد. هرگونه طرح مسئله از زاویه انسانی و کمک‌ها، صرفاً تحمیل الگوی مداخله و مدیریت به‌جای حل بحران است؛ حال آنکه اصل این است که وضعیت غزه باید به‌عنوان بخشی از امت اسلامی که در برابر دشمنش ایستادگی کرده و از عادت همگان به تسلیم و خواری سر باز زده، مطرح گردد؛ غزه ایستادگی کرد و در برابر جلاد جنایتکار خود مقاومت نمود و ناگزیر شد بهای آن را بپردازد. مسئله غزه، مسئله امتی است که می‌خواهند آن بخش روشن و کوچک باقی‌مانده، همان بخش استوار و شکست‌ناپذیرش را خاموش کنند، می‌خواهند آن را در هم بشکنند تا الگویی برای مجازات و عبرتی برای دیگران باشد.

مسئله غزه، مسئله امتی است که ناتوانی و ترس آن را زمین‌گیر کرده است و مصیبت‌ها یکی پس از دیگری بر سرش فرود می‌آید و ضربه‌ها را بر سر خود بدون هیچ واکنشی دریافت می‌کند، در حالی که تنها به تماشای آنچه بر سرش می‌آید بسنده می‌کند؛ نتیجه سال‌ها سکوت و تسلیم در برابر دشمنان و حاکمان مزدورشان.

اگر از راه‌حل و راه نجات بپرسیم، مشکل غزه، مشکل کمک‌رسانی نیست، بلکه مشکل در وجود رژیم یهود و وجود حکومت‌های حاکم بر سرزمین‌های مسلمانان است که از آن حمایت می‌کنند و بقای آن را حفظ می‌نمایند. بر این اساس، مسئولیت کامل امروز بر دوش امت اسلامی و نیروهای زنده آن است تا سلطه خود را بازپس گیرند و از سیطره طبقه حاکمه‌ای که بر سینه آنان سنگینی می‌کند، رهایی یابند؛ چراکه این حاکمان شریک یهود در قتل و نسل‌کشی مردم غزه هستند و رهایی از آنان، راه را به‌سوی فلسطین، همه فلسطین و نه فقط غزه می‌گشاید. پس باید غزه با پایداری، استقامت و فداکاری‌اش الهام‌بخش شما باشد و چراغ راهی در مسیر نجات گردد و یقین داشته باشید که هر چیزی را که در راه رهایی از سلطه حکومت‌های حاکم از دست بدهید، بسیار آسان‌تر و کم‌تر از آن چیزی است که در صورت بقای آن‌ها بر تخت‌هایشان، با پذیرش تسلیم و زندگی زیر سلطه حکم جابرشان، از دست داده‌اید و خواهید داد.

**برگرفته از شماره ۵۵۵ جریده الرایه**